



## تأثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی

علی صفاری\*  
سحر سیفی\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۱۷

### چکیده

از مهم‌ترین مشکلاتی که امروزه نظام عدالت کیفری با آن مواجه می‌باشد مشکل عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی است. نتایج حاصل از پیمایش‌های صورت پذیرفته در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که عوامل مختلفی گزارش جرایم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و منجر به عدم اعلام جرایم ارتكابی توسط افراد به مقامات ذی صلاح می‌گردد. یکی از عواملی که هر ساله میزان گزارش جرایم را دستخوش تغییر و تحول می‌کند، نوع جرایم ارتكابی است. در حالی که هر ساله میزان بالایی از جرایم علیه اموال به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی گزارش می‌گردند، در جرایم جنسی، تمامی کشورها با عدم تمایل افراد به اعلام جرم مواجه هستند. گاهی نیز جرایم بدون بزه دیده هستند، به این معنی که دارای بزه دیده‌ی واقعی و قابل شناسایی نمی‌باشند. در مواقعی که چنین جرایمی ارتكاب می‌یابند با توجه به این که اغلب به دلایل متعدد، مثل عدم آگاهی آسیب دیده از وقوع جرم شاکی وجود ندارد، تا جرم را گزارش نماید، افزایش موارد عدم اعلام جرایم در سطح بالایی، قابل مشاهده است. اهمیت جرم از منظر بزه دیده نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در میزان گزارش جرایم است. زمانی که جرمی علیه تمامیت جسمانی افراد اتفاق می‌افتد و یا خسارت‌های جانی و مالی ناشی از جرم قابل توجه است یا مرتکب جرم در ارتكاب آن از اسلحه استفاده کرده است، افراد با اعتقاد به مهم بودن جرم سعی بر آن دارند تا با گزارش جرایم به ضابطان دادگستری و یا مقامات قضایی درصدد پیگیری آن برآیند. محل ارتكاب جرم نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عدم گزارش جرایم از جانب بزه دیدگان به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری است. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسته به این که جرم در مدرسه، محل کار، خانه و یا اماکن عمومی واقع گردد، تمایل افراد به گزارش جرم متفاوت است. از آنجایی که اتخاذ هر گونه برنامه و تدبیری در سیاست جنایی برای مبارزه با پدیده‌ی بزه‌کاری، زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که مبتنی بر آگاهی از کمیت و کیفیت بزه‌کاری و به تبع آن بزه دیدگی در جامعه، به‌ویژه آمار صحیح و قابل اعتماد از آن باشد و عدم گزارش جرایم مانعی جدی بر سر راه این هدف است، بنابراین شناسایی عوامل عدم گزارش جرم ارتكابی از جانب افراد و ارائه‌ی راهکارهایی جهت برطرف ساختن آن‌ها می‌تواند به موفقیت و اعتبار بیشتر نظام عدالت کیفری و نهادهای ذی‌ربط منجر گردد و سیاست جنایی را در اتخاذ برنامه‌هایی کارآمد جهت مبارزه با پدیده‌ی بزه‌کاری یاری دهد.

کلید واژه‌ها:

عدم گزارش جرایم، بزه دیده، بزه‌کاری، ضابطان دادگستری، مقام قضایی

\*. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

\*\* . دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Seifi.sahar@ut.ac.ir

## مقدمه

بر خلاف ادوار گذشته که بیشتر محققان و اندیشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناسان مطالعات خود را بر بزه‌کار و نقش وی در شکل‌گیری فرآیند مجرمانه استوار می‌ساختند، امروزه توجه به بزه‌دیدگان به عنوان یکی از مهم‌ترین رکن‌های شکل‌گیری پدیده‌ی مجرمانه از توجه رو به افزایش برخوردار گشته و در همین راستا انجام پیمایش‌های میدانی پیرامون بزه‌دیدگان جرایم در سال‌های اخیر با استقبال گسترده‌ای از جانب کشورها و دولت‌ها رو به رو شده است. در این پیمایش‌ها محققان به جای بررسی شخص مجرم و تأثیر ویژگی‌های فردی، جسمی، اجتماعی و ... در ارتکاب جرایم به سراغ بزه‌دیدگان رفته و با پیمایش‌های هدف‌مندی علل ارتکاب جرایم را از این زاویه مورد بررسی قرار می‌دهند. چنین پیمایش‌هایی هر ساله در کشورهایی نظیر استرالیا، نیوزلند، انگلستان، آمریکا و ... انجام می‌پذیرد و نتایج حاصل از آن‌ها مورد تحلیل آماری و جرم‌شناسانه قرار گرفته و در گزارشی منتشر شده و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین کارکردهای انجام چنین مطالعاتی دسترسی به میزان جرایم گزارش شده و گزارش نشده از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات ذی صلاح است. زیرا یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که امروزه نظام عدالت کیفری با آن مواجه است مشکل عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی است. در میان جهات مختلفی که برای شروع به تعقیب وجود دارد اعلام جرایم از جانب بزه‌دیدگان به مقامات ذی صلاح از نقش قابل توجهی برخوردار است اما متأسفانه در بسیاری از موارد که جرمی ارتکاب می‌یاد و فردی بزه‌دیده‌ی جرم واقع می‌گردد عوامل متعددی بر تصمیم فرد تأثیر گذاشته و مانع از اعلام جرم از جانب وی به مقامات ذی صلاح می‌گردد. این عدم گزارش نمی‌تواند برای نظام عدالت کیفری و شخص بزه‌دیده بی‌تأثیر باشد زیرا به دنبال این عدم گزارش بزه‌دیده از حمایت‌ها و معاضدت‌هایی که دولت و نظام قضایی کشور برای این افراد در نظر گرفته است، محروم می‌ماند و نمی‌تواند آن‌گونه که باید با بزه‌دیدگی خویش کنار آید. چه بسا بزه‌دیدگانی که در آینده بزه‌دیده‌ی مجدد و مکرر شده و یا به بزه‌کارانی تبدیل می‌گردند که خود به فکر انتقام خصوصی در جامعه افتاده و نظم اجتماعی را مختل می‌نمایند. از این رو محققان با انجام چنین پیمایش‌هایی به دنبال بزه‌دیده رفته و با پرسش‌هایی هدفمند میزان جرایم ارتکاب یافته علیه آنان و دلایل عدم گزارش این جرایم از جانب افراد را مورد مطالعه قرار داده و با تحلیل نتایج حاصله به میزان جرایمی که سالانه در جامعه ارتکاب می‌یابد اما گزارش نمی‌گردند و علل عدم گزارش این جرایم پی می‌برند. اداره‌ی آمار ایالات متحده‌ی آمریکا بهترین، کارآمدترین و به روزترین آمار و پیمایش‌ها را برگزار می‌نماید. اما متأسفانه علی‌رغم اهمیتی که انجام این پیمایش‌ها در شناسایی و رفع عوامل مؤثر در عدم گزارش جرم و به تبع آن ارتقای عملکرد نهادهای نظام عدالت کیفری می‌تواند داشته باشد، چنین پیمایش‌هایی در کشور ایران دارای سابقه‌ی چندانی نبوده و آمارهای معتبر و نظام یافته‌ای در این زمینه در دسترس نیست.

یکی از عوامل مهمی که میزان عدم گزارش جرایم را در افراد تحت تأثیر قرار می‌دهد نوع جرم ارتكابی است. بسته به این که جرم ارتكابی علیه فرد یک جرم مالی، جنسی و یا یک جرم خشونت‌آمیز و... باشد میزان گزارش آن جرم نیز متغیر است؛ علاوه بر آن اهمیت جرم، محل ارتكاب، محل اقامت بزه دیدگان، نوع وسیله‌ای که جرم با آن ارتكاب یافته و... از دیگر عواملی هستند که در عدم گزارش جرایم ارتكابی از جانب افراد به مقامات ذی صلاح نقش به‌سزایی دارند.

در این تحقیق سعی بر آن است تا با استفاده از نتایج حاصل از پیمایش‌های میدانی صورت پذیرفته در کشورهای مختلف و ایران تأثیر نوع جرم ارتكابی، محل ارتكاب و اهمیت جرایم در میزان عدم گزارش جرایم به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مورد بررسی قرار گیرد.

### مبحث اول: تأثیر عوامل مرتبط با نوع جرم ارتكابی در عدم گزارش جرایم

بسته به نوع جرم ارتكابی، میزان اعلام جرایم دستخوش تغییر و تحولات چشمگیری می‌گردد. با آن که هر ساله درصد بالایی از جرایم مالی نظیر سرقت و جرایمی چون ضرب و شتم توسط افراد به مقامات ذی صلاح قانونی گزارش می‌گردد، افراد از گزارش جرایم جنسی و جرایمی که علیه شخصیت معنوی آنان ارتكاب می‌یابد، نظیر توهین، امتناع می‌ورزند. در ادامه و در سه گفتار مجزا تأثیر نوع جرم ارتكابی بر میزان عدم گزارش جرایم بررسی خواهد شد.

### گفتار اول) جرایم علیه اموال

با مقایسه‌ی میزان گزارش کلیه‌ی جرایم در می‌یابیم که تمایل افراد به گزارش جرایم، زمانی که جرمی علیه اموال آنان اتفاق می‌افتد، بیشتر از سایر جرایم است. البته در جرایم علیه اموال نیز بسته به نوع جرم ارتكابی، میزان گزارش جرم نیز متفاوت است (Langton et al 2012,4). برای مثال در حالی که افراد تمایل زیادی برای اعلام جرم سرقت وسایل نقلیه دارند، از گزارش جرم سرقت اموال منزل امتناع می‌ورزند (Langton et al 2012,4). نتایج حاصل از NCVS ۲۰۰۶-۲۰۱۰ ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که در ۶۰ درصد موارد، سرقت اموال منزل توسط افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی اعلام نمی‌شود. در حالی که تنها ۱۷ درصد از موارد دزدی وسایل نقلیه گزارش نمی‌گردد (Langton et al 2012,4). بیشترین دلایلی که افراد را در مواقعی که جرمی علیه اموال آنان ارتكاب می‌افتد، ترغیب به پیگیری امر از طریق سیستم قضایی می‌نماید استفاده از خدمات بیمه است. زیرا افراد برای استفاده از بیمه نامه‌ی خویش در مواردی که جرمی علیه اموالشان اتفاق می‌افتد، نیازمند اعلام جرم به پلیس و ارائه‌ی رسید آن به دفتر بیمه هستند. به همین علت ناگزیر وقوع جرم را به ضابطان دادگستری و یا سایر مقامات قضایی گزارش می‌دهند. علاوه بر آن بسیاری از افراد نیز اعتقاد دارند که با توجه به این که در اغلب موارد سرقت اموال منزل، آنان قادر به شناسایی بزه‌کار نیستند، امیدی ندارند که

تأثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ...

پلیس بتواند مجرم را شناسایی نماید و ناکارآمدی و مؤثر نبودن پلیس را به عنوان یکی از دلایل مهم عدم گزارش جرم در چنین مواردی دانسته‌اند. در برخی از موارد نیز آنان اذعان داشته‌اند که جرم ارتکاب یافته، آنقدر مهم نبوده است که بخواهند آن را گزارش دهند. (گسن ۱۳۸۵، ۱۹۰)

در کشور ایران نیز نتایج پژوهش صورت پذیرفته در سال ۱۳۷۴ نشان می‌دهد که جرایم علیه اموال یکی از شایع‌ترین جرایمی است که در جامعه اتفاق می‌افتد و میزان گزارش جرایم علیه اموال نسبت به سایر جرایم بیشتر است (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸). برای مثال، جرم سرقت به عنوان مصداقی بارز از جرایم علیه اموال، در ۵۷ درصد موارد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی گزارش شده است. علاوه بر سرقت میزان بالایی از جرایم کلاهبرداری، صدور چک بلامحل و خیانت در امانت نیز به مقامات ذی صلاح گزارش می‌گردد و این خود مؤید این امر است که در جرایم علیه اموال، تمایل افراد به گزارش جرم بیشتر است و ما با کاهش درصد عدم گزارش در این جرایم مواجه هستیم. (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸).

### گفتار دوم) جرایم جنسی

مسئله‌ی عدم تمایل افراد به گزارش جرایم جنسی، از جمله مسائلی است که در کشورهای مختلف به عنوان مشکلی بر سر راه کشف آمار واقعی از میزان بزهکاری و بزه دیدگی در این جرایم قرار دارد و افراد در جوامع مختلف تمایل کمی به اعلام چنین جرایمی دارند. به گونه‌ای که برخی از جرم شناسان مدل این جرم را به آیسبرگی تشبیه نموده‌اند که قسمت اعظم آن در زیر آب پنهان است و تنها میزان کمی از آن که نمایان است، بیانگر جرایم گزارش شده می‌باشد (Lievore 2004, 5). نتایج حاصل از تحقیقاتی که در کشور انگلستان، نیوزلند، استرالیا و آمریکا صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد، که عدم اعلام جرایم جنسی در صدر جرایم گزارش نشده قرار دارد، به گونه‌ای که در کشور استرالیا براساس ABS (اطلاعات اداره‌ی آمار استرالیا) در سال ۱۹۹۶، ۸۵ درصد (Lievore 2004, 8) و در کشور آمریکا ۶۵ درصد جرایم تجاوز جنسی گزارش نمی‌گردند (Wolf Harlow 1985, 4). در کشور ایران نیز پژوهش صورت پذیرفته در سال ۱۳۷۴ حاکی از آن است که از هر ۱۲ موردی که جرم جنسی اتفاق می‌افتد، تنها دو مورد گزارش می‌شود و ۸۳/۳۲ مورد از این جرایم گزارش نمی‌گردند (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸). افراد در مواقعی که چنین جرایمی علیه آنان ارتکاب می‌یابد، عوامل مختلفی را برای عدم تمایل به گزارش جرم از جانب خود بیان می‌کنند (Lievore 2004, 6). برای مثال قربانیان این جرایم از بیان این که چنین جرمی علیه آنان اتفاق افتاده است، خجالت می‌کشند و از ترس آبروی خود و برای حفظ شخصیت خویش از گزارش آن امتناع می‌ورزند (صفاری ۱۳۹۱، ۲۳). برخی اعتقاد دارند که بزه‌کار قصد انجام تجاوزی را نداشته و این صرفاً یک اتفاق بوده است. گاهی نیز افراد با ترس از این که طرح این مسئله در مراجع قضایی و اعلام جرم به ضابطان و یا مقامات قضایی منجر می‌گردد که افراد خانواده‌ی آنان و یا سایر افراد از آن آگاهی یابند و عدم اطمینان از این که جریان رسیدگی در محاکم و

تعقیب توسط پلیس، با حفظ اطلاعات شخصی آنان و به صورت محرمانه صورت گیرد، جرم واقع شده را گزارش نمی‌دهند. در مواردی افراد بیم آن را دارند که روابط صمیمی که بین آن فرد و بزه‌کار وجود دارد، از بین برود و به علت وابستگی‌های عاطفی که به شخص بزه‌کار دارند، از درگیر شدن او با پلیس و گزارش جرم امتناع می‌ورزند. ترس از انتقام‌گیری مجرم و اعتقاد به شخصی بودن قضیه نیز از دیگر عواملی است که در بیشتر موارد از جانب افراد به عنوان دلایل اصلی عدم گزارش جرایم جنسی ذکر می‌شود. (صفاری ۱۳۹۱، ۲۳)

### گفتار سوم) سایر جرایم

زمانی که افراد با جرایم خشونت‌آمیز مواجه می‌شوند، نسبت به سایر جرایم تمایل بیشتری به گزارش جرم دارند و ما با کاهش قابل توجه عدم گزارش جرم در این موارد مواجه هستیم (Langton et al, 2012, 4). نتایج حاصل از NCVS ۲۰۰۶-۲۰۱۰ آمریکا بیانگر این امر است که ۵۴٪ بزه‌دیدگان خشونت‌های جدی، جرم ارتكابی را گزارش داده‌اند و تنها ۴۶ درصد آنان از گزارش جرم ارتكابی امتناع ورزیده‌اند و این نشان دهنده‌ی آن است که نسبت به سایر جرایم، درصد کمتری از جرایم خشونت‌آمیز در کشور ایالات متحده‌ی آمریکا گزارش نشده‌اند (Langton et al 2012, 4). پژوهش‌های صورت پذیرفته در سال ۱۳۷۴ در کشور ایران نشان دهنده‌ی این امر است که در حالی که در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه جرایمی وجود دارند که در تمامی موارد گزارش شده‌اند، در برخی از جرایم افراد هیچ‌گاه جرایم اتفاق افتاده علیه خویش را به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی گزارش نداده‌اند (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸). جرم آدم‌ربایی در زمره جرایمی است که در تمامی موارد توسط افراد گزارش شده است. با توجه به جدی بودن مسئله افراد بیان نموده‌اند که به تنهایی توانایی حل آن را نداشته‌اند و ناگزیر با اعلام جرم سعی نموده‌اند تا از تخصص و آگاهی‌های پلیس و مقامات قضایی برای حل مشکل خویش استمداد جویند. در مقابل بزه‌دیدگان جرم توهین در معابر، افترا و کار اجباری در جامعه‌ی آماری مورد مطالعه، هیچ‌گاه جرایم یاد شده را به مقامات ذی صلاح گزارش نداده‌اند (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸).

### مبحث دوم: نقش جرایم بدون بزه دیده در میزان گزارش جرایم

یکی از عواملی که نقش به‌سزایی را در افزایش میزان جرایم گزارش نشده ایفا می‌نماید، وجود جرایم بدون بزه دیده است. در ادامه و در سه گفتار سعی بر آن است تا با ارائه‌ی تعریفی از این جرایم و بیان ویژگی‌های آن، تأثیری که جرایم بدون بزه دیده، بر آمار جنایی و میزان جرایم گزارش نشده از جانب افراد به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی دارد، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

### گفتار اول) پیشینه و تعریف جرایم بدون بزه دیده

خاستگاه مبحث جرایم بدون بزه دیده، رشته جدیدی از جرم شناسی به نام «بزه دیده شناسی» است. محققان این رشته جدید که دغدغه اصلی آن‌ها بررسی و مطالعه نقش بزه دیده است، در خلال مباحث علمی خود دریافته‌اند، که جرایمی وجود دارد، که در آن‌ها یا اصولاً بزه دیده‌ای وجود ندارد یا در صورتی که بزه دیده وجود دارد، بزه دیده عادی نبوده، بلکه بزه دیده‌ای است که خود خواهان بزه بوده است. اصطلاح جرایم بدون بزه دیده برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ توسط اسکوار به کار گرفته شد، وی معتقد بود جرایم بدون بزه دیده جرایمی هستند، که بزه دیده واقعی ندارند؛ مثل سقط جنین، همجنس بازی و اعتیاد به مواد مخدر، که در آن‌ها هیچ ضرری برای اشخاص دیگری غیر از مباشر جرم مفروض نیست. بنابراین زمانی می‌توان از جرایم بدون مجنی علیه سخن گفت، که خسارت و ضرر عمل علیه شخص دیگر نباشد، بلکه علیه خود شخص باشد و یا با همکاری و توافق و رضایت شخص توسط دیگری که درگیر در عمل بوده است، ارتکاب یافته باشد. (رضانیان ۱۳۸۹، ۱۶)

در این میان یکی از مهم‌ترین و در عین حال مشکل‌ترین مباحث درمورد جرایم بدون بزه دیده، تعریف این جرایم و تبیین مفهوم صحیح آن است. به موجب تعریف آقای گسن، جنایات بدون قربانی، اعمال غیراخلاقی هستند که موجب هیچ خسارت قابل تشخیصی برای اشخاص ثالث نیست. سول رابین، معتقد است که جرایم بدون بزه دیده اعمالی هستند، که به کسی آسیبی نمی‌رسانند، بلکه این اعمال بر مبنای وارد کردن اخلاق در قانون از طرف دولت جرم انگاری شده‌اند. (ساداتی ۱۳۹۰، ۸)

در مجموع می‌توان گفت جرم بدون بزه دیده وجود ندارد؛ زیرا هر جرمی خواه ناخواه بزه دیده دارد. حال این بزه دیده یا بزه دیده مستقیم است، یا بزه دیده مرتبط و یا بزه دیده غیرمستقیم و یا اینکه خود بزه‌کار، بزه دیده است. بنابراین جرم فاقد بزه دیده وجود ندارد و حتی کسانی هم که این اصطلاح را به کار می‌برند، منکر این مطلب نیستند؛ بلکه هنگامی که این اصطلاح را استعمال می‌کنند، مراد آنها جرایمی است که بزه دیده «مستقیم» ندارند. لذا بهترین تعریف، تعریفی است که ادوین شور ارائه داده است؛ از منظر او جرایم فاقد بزه دیده جرایمی هستند، که هیچ بزه دیده معینی ندارند، آنها از اعمالی تشکیل شده‌اند که به خاطر زیر پا نهادن قواعد اخلاقی، غیرقانونی شناخته شده‌اند. (رضانیان ۱۳۸۹، ۱۶)

### گفتار دوم) ویژگی‌های جرایم بدون بزه دیده

باتوجه به تعاریف ارائه شده می‌توان چند ویژگی را برای این جرایم ذکر کرد. جرایم بدون بزه دیده معمولاً داوطلبانه و توأم با رضایت هستند، به عبارت دیگر رفتار موضوع آن رفتاری است، که مورد رضایت شرکت کنندگان یا طرفین آن است. ارتکاب بزه‌هایی چون ربا، قمار، مسابقات و شرط بندی‌های نامشروع، خرید و فروش مواد مخدر و... در واقع با مصالحه و توافق دو طرف ممکن می‌شود. بدین ترتیب، این جرایم بر خلاف جرایم متعارف، به بزه دیده تحمیل نمی‌شود، بلکه با رضایت و مشارکت خود

او به وقوع می‌پیوندد و ارتکاب می‌یابد. اغلب جرایمی که بی‌بزه دیده تلقی شده‌اند، غالباً به صورت محرمانه و در چارچوب نوعی روابط مخفیانه بین اشخاص ذی‌نفع و به عبارت دیگر در خلوت آنان ارتکاب می‌یابند (خرید و فروش مواد مخدر، ربا و...)، به دلیل اینکه جرایم مذکور در خفا صورت می‌گیرد، نه تنها هیچ‌گاه این جرایم گزارش و کشف نمی‌شوند، بلکه آمار سیاه<sup>۱</sup> این جرایم نیز بالا خواهد بود. جرایم بدون بزه دیده شاکی خصوصی ندارند. زیرا مرتکبین جرم، جملگی تمایل و رضایت به ارتکاب آن دارند، بنابراین دلیل و انگیزه ای برای اعلام جرم و طرح شکایت نزد مقامات قانونی وجود نخواهد داشت. اعلام کننده جرم نیز شخصاً از ارتکاب جرم زبانی متحمل نمی‌گردد، بلکه احساس تکلیف اجتماعی مبنی بر ضرورت همکاری با دستگاه قضایی، او را وادار به اعلام اعمال خلاف قانون به مراجع ذی ربط می‌کند. این جرایم خسارت ظاهر و آشکاری وارد نمی‌کنند. خسارتی هم که از این رهگذر به جامعه وارد می‌شود، غیرمستقیم است و در هر حال تشخیص آن بسیار دشوار است. در جرایم دو حیثیتی، یعنی جرایمی که علاوه بر تضرر جامعه، شخص یا اشخاصی نیز مستقیماً متضرر می‌شوند، این امکان برای شاکی خصوصی یا بزه دیده وجود دارد که از شاکی شکایت نماید و حتی خسارات وارده به خود را مطالبه نماید؛ زیرا در این موارد، شخص متضرر ذی‌نفع محسوب می‌شود؛ ولی در مورد جرایم فاقد بزه دیده، به لحاظ اینکه هیچ‌گونه متضرر مستقیمی غیر از جامعه وجود ندارد - هر چند ممکن است اشخاص دیگری نیز به طور غیر مستقیم از این عمل متضرر شوند - امکان طرح دعوی و شکایت منتفی است. (ساداتی ۱۳۹۰، ۹) در افکار عمومی درباره قبح کیفری و مجرمانه بودن این رفتارها اجماع و اتفاق نظر وجود ندارد. خسارات ناشی از ارتکاب این جرایم متوجه اشخاص دیگر نمی‌شود و به طور کلی نمود بیرونی و عمومی ندارند و بدین سان تشخیص آنها دشوار است. نرخ پایین موارد دستگیری و محکومیت کیفری مرتکبان این جرایم ویژگی دیگر جرایم بدون بزه دیده است. لذا اثر اربعی جرم انگاری آن‌ها کاهش یافته و کیفرهای مربوط به آن قادر به ایفای کارکردهای خود نیستند (ساداتی ۱۳۹۰، ۹).

### گفتار سوم) تأثیر جرایم بدون بزه دیده بر آمار جنایی و میزان گزارش جرایم

بدیهی است که تدوین، ارائه و اجرای تدابیر مناسب جهت پیشگیری و مبارزه با پدیده‌ی بزه‌کاری به طور کلی و یا مقابله با یک جرم خاص نیازمند اطلاع از تعداد جرایم مورد نظر است و در غیر این صورت هر راه حلی که در پیش گرفته شود، غیر علمی بوده و منجر به شکست خواهد شد. روشی که برای اطلاع از میزان وقوع جرایم در زمان معین و در یک محدوده‌ی مشخص به کار گرفته می‌شود، تهیه «آمار جنایی» است. یکی از این آمار، تبهکاری ظاهری یا پلیسی است که نمایان‌گر تعداد مراجعات کیفری، اعم از شکایتها و گزارش جرم‌ها به کلانتری، پلیس و سایر ضابطان دادگستری در زمان و مکان معین

1 Dark number

2 Criminal Statistics

تأثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ...

می‌باشد (کی نیبا<sup>۱۳۸۲</sup>، ۸۳). تبه‌کاری قانونی یا قضایی، نیز گونه‌ای دیگر از آمار جنایی است که نشان دهنده تعداد اشخاصی است که در زمان و مکان معینی «محکومیت» کیفری پیدا کرده‌اند. هیچ یک از این دو نوع آمار جنایی، بیانگر «تبه‌کاری واقعی» یعنی تعداد جرایمی که عملاً ارتکاب یافته نمی‌باشد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی<sup>۱۳۷۷</sup>، ۹۷) و این امر ناشی از رقم سیاه یا مخفی جرایم است. عددی که نسبت بین تبه‌کاری واقعی و تبه‌کاری قانونی یا قضایی را نشان می‌دهد، در آمار جنایی رقم سیاه یا رقم مخفی نامیده می‌شود. این رقم درمورد مجرمین متفاوت یکسان نیست. به عنوان مثال در مورد خردسالان و نوجوانان رقم سیاه بزرگتر است؛ چون یا این افراد از مسئولیت کیفری مبرا هستند و بنابراین در آمار قضایی به حساب نمی‌آیند و یا اینکه معمولاً بزه‌دیدگان در مورد آنها با اغماض رفتار کرده و از شکایت خود صرف‌نظر می‌کنند. همچنین رقم سیاه در مورد جرایم مختلف نیز متفاوت است. در خصوص بعضی جرایم به ویژه جرایم معروف به جرم‌های آپارتمانی<sup>۱</sup> همانند ارتشا، اختلاس، کلاهبرداری و روابط نامشروع، نسبت جرایم کشف شده به جرایم واقعی و مخفی و کشف نشده یک دهم است، اما در مقابل جرایم آپارتمانی<sup>۲</sup>، جرایم خیابانی قرار دارند که این قبیل جرایم -مثل قتل و ضرب و جرح- رقم سیاه کمتر بوده و تفاوت ارقام جرایم واقعی و مخفی نسبت به جرایم کشف شده نزدیک‌تر است. (ساداتی<sup>۱۳۹۰</sup>، ۱۰) به طور کلی عدم تمایل افراد به گزارش جرم و به تبع آن بالا بودن رقم سیاه خصوصاً در جرایم بدون بزه دیده باعث بی‌اعتباری آمار جنایی شده است. عدم تمایل به گزارش جرم در مورد جرایم بدون بزه دیده بسیار بالا است؛ تا جایی که می‌توان گفت فقط تعداد بسیار کمی از این جرایم در آمارهای قضایی و حتی در آمارهای پلیسی مدنظر قرار می‌گیرند و بخش اعظمی از این جرایم همچنان مخفی باقی می‌مانند و هیچ‌گاه به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری گزارش نمی‌گردند.

آیا تعداد واقعی روابط نامشروع بین مرد وزن اعم از زنا و غیره، با تعداد کسانی که به خاطر این جرایم تحت تعقیب قرار گرفته و محکومیت کیفری پیدا می‌کنند برابر است؟ آیا تعداد معتادینی که در زندان‌ها و مراکز درمانی به سر می‌برند با تعداد کسانی که عادت به مصرف مواد مخدر دارند مساوی است؟ نسبت بین رانندگانی که کمربند ایمنی استفاده نمی‌کنند و جریمه نمی‌شوند با رانندگانی که به علت نبستن کمربند ایمنی جریمه می‌شود در کشوری مثل ایران چه نسبتی است؟ آیا تعداد کسانی که تحت عنوان تکدی و کلاشی، دستگیر و محاکمه می‌شوند بیانگر تعداد واقعی کسانی است که هر یک از ما تاکنون بارها با آنها مواجه شده‌ایم؟ اگر این‌گونه نیست و تبه‌کاری قضایی درمورد جرایم بدون بزه‌دیده با تبه‌کاری واقعی آن تفاوت فاحش دارد چه تضمینی وجود دارد که برنامه‌ها و تدابیری که جهت پیشگیری از وقوع این جرایم اتخاذ می‌شود با موفقیت روبه رو گردد؟

1 Suite Crimes  
2 Street Crimes



بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که از یک سو در پیش گرفتن هرگونه سیاست و برنامه‌ای جهت پیشگیری و مبارزه با جرایم از جمله جرایم بدون بزه‌دیده مستلزم آگاهی بر آمار جنایی واقعی یا نزدیک به واقعیت بوده و از سوی دیگر آمارهای جنایی در مورد جرایم بدون بزه‌دیده به هیچ‌وجه نشان دهنده تبهکاری واقعی نبوده و رقم سیاه در این مورد بسیار بزرگ است و به همین دلیل اتخاذ راهکارهای مفید و کارآمد جهت مبارزه با این‌گونه جرایم بسیار دشوار می‌نماید. (رهامی، حیدری ۱۳۸۴، ۱۹۰)

بالا بودن رقم سیاه در مورد این جرایم ناشی از تلاش مرتکبین این جرایم در مخفی نگه داشتن وقوع آن‌ها و همچنین فقدان بزه‌دیده و شاکی خصوصی جهت اطلاع به مقامات صالحه و شکایت کیفری است که موجب می‌شود دعوای کیفری به جریان نیفتاده و تعقیب و رسیدگی انجام نگیرد.

ارتباط جرایم بدون بزه‌دیده با جریان دعوای کیفری در حقیقت ناشی از نقشی است که بزه‌دیده در شروع یا متوقف کردن تعقیب یا رسیدگی کیفری دارد. زمانی که چنین جرایمی اتفاق می‌افتند افراد تمایلی به گزارش آن به مقامات ذی صلاح ندارند و به تبع آن رسیدگی کیفری نیز صورت نمی‌پذیرد. (رهامی، حیدری ۱۳۸۴، ۱۹۰)

دایر کردن مراکز فساد و فحشاء (ماده ۶۳۹ ق.م.ا) هرزه نگاری (ماده ۶۲۰ ق.م.ا) ارتداد (ماده ۲۶ قانون مطبوعات ۱۳۶۴) توهین به مقدسات (ماده ۵۱۳ ق.م.ا) تظاهر به عمل حرام (ماده ۶۳۷ ق.م.ا) استعمال علنی مشروبات الکلی (ماده ۷۰۲ ق.م.ا) دایر کردن محل برای شرب خمر (ماده ۷۰۴ ق.م.ا) ولگردی (ماده ۷۱۲ ق.م.ا) تکدی گری (ماده ۷۱۲ ق.م.ا) کلاشی (ماده ۷۱۲ ق.م.ا) اعتیاد به مواد مخدر (بند ۵ ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶) استفاده نکردن از کمربند ایمنی و کلاه ایمنی (ماد واحد قانون استفاده اجباری از کمربند و کلاه ایمنی ۱۳۷۶) تخلفات رانندگی (ماده واحد قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جرایم رانندگی ۱۳۵۰) ربا (ماده ۵۹۵ ق.م.ا) قماربازی و فعالیت‌های مربوط به آن (ماده ۷۰۵ ق.م.ا)، زنا، مساحقه، لواط، قوادی و... از جمله مواردی هستند که ممکن است از دید کسانی که قائل به وجود جرایم بدون بزه دیده هستند، جزء این جرایم محسوب شوند.

ملاحظه می‌گردد که در هیچ یک از جرایم فوق شخص حقیقی مشخصی مستقیماً از وقوع این جرایم متضرر نشده و شروع به تعقیب منوط به شکایت شاکی خصوصی نبوده و مدعی‌العموم رأساً موظف به تعقیب متهمان است و با توجه به همان اصلی که در جرایم بدون بزه‌دیده وجود دارد، که مرتکبین خود مجرم بوده و تمایلی به گزارش جرم، تعقیب و حتی کشف آن ندارند، همواره به جریان افتادن دعوای عمومی در این موارد با مشکل مواجه و تعداد مواردی که جرم به صورت مشهود واقع شده و مقامات صالحه از آن مطلع می‌شوند یا اینکه توسط اشخاص ثالث اعلام جرم شده و تعقیب صورت می‌گیرد، به گونه فاحشی متفاوت از تعداد وقوع این جرایم در عالم واقع است و این مطلب خود اصلی‌ترین دلیل میزان بالای عدم گزارش چنین جرایمی و به تبع آن بالا بودن رقم سیاه در این موارد است. (رهامی، حیدری ۱۳۸۴، ۱۹۶)

### مبحث سوم) تأثیر محل ارتکاب جرم و اهمیت آن بر عدم گزارش جرایم

محلّی که در آن شخص بزه دیده‌ی جرمی واقع می‌گردد و ارتکاب عمل مجرمانه توسط شخص بزه‌کار در آن مکان صورت می‌پذیرد و میزان اهمیتی که آن جرم از منظر بزه دیدگان دارد، میزان گزارش جرایم از جانب افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ادامه و در دو گفتار مجزا هر یک از دو دلیل ذکر شده به صورت تفصیلی و با تکیه بر آمار موجود مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

#### گفتار اول) محل ارتکاب جرم

جرم ممکن است در مکان‌های مختلفی ارتکاب یابد. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسته به این که جرم در مدرسه، محل کار، خانه و یا اماکن عمومی واقع گردد، تمایل افراد به گزارش جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیشترین میزان عدم گزارش جرم بر اساس نتایج حاصل از NCVS (پیمایش میدانی پیرامون بزه دیدگان جرایم) ۲۰۱۰-۲۰۰۶ آمریکا، مربوط به جرایمی می‌باشد که در محیط مدرسه اتفاق افتاده است (Langton et al 2012,6). در این موارد ۷۶ درصد افراد جرم ارتكابی را اعلام ننموده‌اند. آنان بیان داشته‌اند که اغلب جرایمی که در محیط مدرسه رخ داده است، جرایم خرد و کم اهمیت بوده‌اند و به عنوان مسئله‌ای شخصی و یا با کمک اولیا مدرسه و معاونین آن را به صورت خصوصی حل و فصل کرده‌اند و لزومی به ارجاع آن به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی احساس ننموده‌اند (Langton et al 2012,6). کمترین میزان عدم گزارش در این میان مربوط به جرایمی بوده است که در محیط خانه اتفاق افتاده است (۴۲ درصد) و بعد از آن محیط کار با ۵۶ درصد و اماکن عمومی با ۵۵ درصد بیشترین میزان عدم گزارش جرم را به خود اختصاص داده‌اند (Langton et al 2012,6). همان‌گونه که در جدول مشخص است، افرادی که در مکان‌های مختلفی بزه دیده شده‌اند، دلایل متفاوتی را برای عدم اعلام جرم از جانب خویش بیان نموده‌اند. در حالی که بیشتر بزه دیدگان در محیط مدرسه، شخصی و خصوصی بودن موضوع جرم را به‌عنوان اصلی‌ترین دلیل عدم گزارش جرایم ذکر کرده‌اند، افرادی که در اماکن عمومی بزه دیده‌ی جرمی شده‌اند، مهم نبودن موضوع جرم و افرادی که جرمی در محیط خانه علیه آنان ارتکاب یافته است، ترس از انتقام جویی مجرم و یا درگیری او با قانون و به دردمر افتادن وی را از مهم‌ترین عللی دانسته‌اند، که باعث عدم گزارش جرم ارتكابی از جانب آنان به ضابطان دادگستری و سایر مقامات قضایی گشته است (Langton et al 2012,6).

جدول میزان عدم گزارش جرایم بر اساس نتایج حاصل از NCVS ۲۰۱۰-۲۰۰۶ آمریکا با توجه به محل ارتکاب جرم

محل ارتکاب جرم	میزان عدم گزارش جرایم	مشکل را به طریق دیگری حل کرده‌اند / مسئله شخصی	مسئله به اندازه‌ای مهم نبوده است که گزارش دهند	پلیس کمک نمی‌کند یا نمی‌تواند کمک کند	ترس از انتقام یا به دردمر انداختن مجرم	سایر دلایل
محل کار	۵۶٪	۴۷٪	۱۳٪	۹٪	۴٪	۲۷٪
مدرسه	۷۶٪	۵۰٪	۲۲٪	۱۳٪	۶٪	۹٪
خانه	۴۲٪	۲۷٪	۱۳٪	۱۹٪	۲۸٪	۱۴٪
اماکن عمومی	۵۵٪	۲۵٪	۲۸٪	۲۰٪	۷٪	۲۱٪

علاوه بر آن محل اقامت افراد نیز می‌تواند میزان عدم گزارش جرایم را دستخوش تغییرات محسوسی نماید. مقایسه‌ی میزان عدم گزارش جرم در میان افرادی که در مناطق شهری و یا حومه‌ی شهر اقامت دارند، مؤید این امر است که افرادی که در حومه‌ی شهرها زندگی می‌کنند، نسبت به افرادی که در نقاط شهری زندگی می‌نمایند، جرایم بیشتری را گزارش نمی‌دهند. (Duhart2000, 11)

### گفتار دوم) اهمیت جرم ارتكابی

مفهوم اهمیت جرم با توجه به نوع جرم ارتكابی با معیارهای متفاوتی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. در جرایم مالی اهمیت جرم ارتكابی بسته به میزان خسارت‌های مالی که به فرد وارد می‌سازد، متفاوت است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین میزان خسارت وارده و گزارش جرم رابطه‌ی مستقیمی وجود دارد (گسن ۱۳۸۵، ۱۸۹). زمانی که خسارت وارده بر افراد به سبب وقوع یکی از جرایم علیه اموال افزایش می‌یابد، میزان بیشتری از جرایم گزارش می‌گردند. پژوهش صورت پذیرفته در آمریکا در سال ۱۹۸۳ نشان می‌دهد، که در جرم سرقت زمانی که خسارت کمی وارد شده است، ۳۷ درصد جرایم اعلام شده‌اند، در حالی که با افزایش میزان خسارت وارده، میزان گزارش این جرم نیز به ۶۸ درصد افزایش یافته است. (Wolf Harlow 1985, 4)

در جرایم علیه تمامیت جسمانی نیز اهمیت جرم با توجه به میزان جراحت و صدمه وارده و نوع وسیله‌ای که جرم با آن ارتکاب یافته است، متفاوت است (Langton et al 2012,4). هر چه صدمه و جراحت وارده‌ی سنگین‌تر باشد میزان گزارش جرم نیز افزایش می‌یابد به گونه‌ای که تقریباً تمامی جرایم قتل که وقوع می‌یابد به علت صدمه‌ی سنگینی که به خانواده بزه دیده وارد می‌نماید، گزارش می‌گردند. در حالی که یک زد و خورد ساده که در میان نوجوانان در حین بازی پیش می‌آید، به علت صدمه‌ی کمی که نوعاً وارد می‌سازد، احتمال کمتری برای گزارش آن به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی وجود دارد. علاوه بر شدت صدمه وارده این امر که متجاوز در ارتکاب جرایم از اسلحه و چاقو استفاده کرده است، یا بدون

تأثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ...

هیچ وسیله‌ای صدمه را وارد ساخته است نیز، گزارش جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موارد عدم گزارش جرم در جرایمی که با سلاح سرد یا گرم توأم بوده است، کمتر از مواردی است که جرم بدون هیچ‌گونه سلاحی ارتکاب یافته است. (Langton et al 2012, 5)

در جرایم جنسی و جرایم علیه شخصیت معنوی نیز میزان اهمیت جرم بر اساس صدمات روانی وارده بر افراد، متفاوت است. زمانی که شخص با توهین ساده‌ای مواجه می‌گردد احتمال کمتری برای گزارش جرم از جانب وی وجود دارد. این در حالی است که اگر افترا یا قذفی نسبت به وی صورت پذیرد تمایل او نیز به گزارش جرم افزایش می‌یابد (نجفی ابرند آبادی، توجهی ۱۳۷۸، ۷۸). بنابراین اهمیت جرم ارتكابی و میزان خسارت‌های مادی، جسمی و روانی که بر افراد وارد می‌سازد، می‌تواند به عنوان عاملی مؤثر میزان گزارش جرایم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

از میان جرایمی که هر ساله اتفاق می‌افتد، درصد قابل توجهی هیچ‌گاه به اطلاع ضابطان دادگستری و مقامات قضایی نمی‌رسد و به تبع آن مجرمین آن‌ها شناخته نشده و مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند. یکی از مهم‌ترین راهکارها در راستای شناسایی عوامل مؤثر در عدم گزارش جرایم، انجام پژوهش‌های میدانی پیرامون بزه دیدگان است که در آن‌ها پژوهش‌گر با پرسش‌های هدفمندی در صدد شناسایی عواملی بر می‌آید که مؤثر در تصمیم بزه دیدگان برای عدم گزارش جرایم بوده‌اند. نتایج حاصل از پیمایش‌های صورت پذیرفته در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که عوامل مختلفی گزارش جرایم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به عدم اعلام جرایم ارتكابی توسط افراد به مقامات ذی صلاح می‌گردد. یکی از عواملی که هر ساله میزان گزارش جرایم را دستخوش تغییر و تحول می‌کند، نوع جرایم ارتكابی است. در حالی که هر ساله میزان بالایی از جرایم علیه اموال به ضابطان دادگستری و مقامات قضایی گزارش می‌گردند، در جرایم جنسی، تمامی کشورها با عدم تمایل افراد به اعلام جرم مواجه هستند. نتایج حاصل از تحقیقاتی که در کشور انگلستان، نیوزلند، استرالیا و آمریکا صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد، که عدم اعلام جرایم جنسی در صدر جرایم گزارش نشده قرار دارد، به گونه‌ای که در کشور استرالیا براساس ABS (اطلاعات اداره‌ی آمار استرالیا) در سال ۱۹۹۶، ۸۵ درصد و در کشور آمریکا ۶۵ درصد جرایم تجاوز جنسی گزارش نمی‌گردند. در کشور ایران نیز پژوهش صورت پذیرفته در سال ۱۳۷۴ حاکی از آن است که از هر ۱۲ موردی که جرم جنسی اتفاق می‌افتد، تنها دو مورد گزارش می‌شود و ۸۳/۳۲ مورد از این جرایم گزارش نمی‌گردند و بزه دیدگان به علت ترس از این که طرح این مسئله در مراجع قضایی و اعلام جرم به ضابطان و یا مقامات قضایی منجر می‌گردد که افراد خانواده‌ی آنان و یا سایر افراد از آن آگاهی یابند و عدم اطمینان از این که جریان رسیدگی در محاکم و تعقیب توسط پلیس، با حفظ اطلاعات شخصی آنان و به صورت محرمانه صورت گیرد، ترس از آبروی خویش، تهدیدات بزه‌کار و گاه ترس از دست دادن رابطه‌ی نزدیک و صمیمی با متجاوز از گزارش جرایم امتناع می‌ورزند.

گاهی نیز جرایم بدون بزه دیده هستند، به این معنی که دارای بزه دیده‌ی واقعی و قابل شناسایی نمی‌باشند. در مواقعی که چنین جرایمی ارتکاب می‌یابند با توجه به این که اغلب به دلایل متعدد، مثل عدم آگاهی آسیب دیده از وقوع جرم شاکی وجود ندارد، تا جرم را گزارش نماید، افزایش موارد عدم اعلام جرایم در سطح بالایی، قابل مشاهده است. در جرایم بدون بزه‌دیده اغلب مرتکبین خود مجرم بوده و تمایلی به گزارش جرم، تعقیب و حتی کشف آن ندارند و همواره به جریان افتادن دعوی عمومی در این موارد با مشکل مواجه و تعداد مواردی که جرم به صورت مشهود واقع شده و مقامات صالحه از آن مطلع می‌شوند یا این که توسط اشخاص ثالث اعلام جرم شده و تعقیب صورت می‌گیرد، به گونه فاحشی متفاوت از تعداد وقوع این جرایم در عالم واقع است و این مطلب خود اصلی‌ترین دلیل میزان بالای عدم گزارش چنین جرایمی و به تبع آن بالا بودن رقم سیاه در این موارد است.

اهمیت جرم از منظر افراد نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار در میزان گزارش جرایم است. زمانی که جرمی علیه تمامیت جسمانی افراد اتفاق می‌افتد و یا خسارت‌های جانی و مالی ناشی از جرم قابل توجه است یا مرتکب جرم در ارتکاب آن از اسلحه استفاده کرده است، افراد با اعتقاد به مهم بودن جرم سعی بر آن دارند تا با گزارش جرایم به ضابطان دادگستری و یا مقامات قضایی درصد پیگیری آن برآیند. محل ارتکاب جرم نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر عدم گزارش جرایم از جانب بزه دیدگان به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری است. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسته به این که جرم در مدرسه، محل کار، خانه و یا اماکن عمومی واقع گردد، تمایل افراد به گزارش جرم متفاوت است. بیشترین میزان عدم گزارش جرم براساس نتایج حاصل از NCVS (پیمایش میدانی پیرامون بزه دیدگان جرایم) ۲۰۱۰-۲۰۰۶ آمریکا، مربوط به جرایمی می‌باشد که در محیط مدرسه واقع شده و کمترین میزان عدم گزارش در این میان مربوط به جرایمی بوده که در محیط خانه اتفاق افتاده است.

مجموعه‌ی عوامل گفته شده منجر می‌گردد که درصد بالایی از جرایم که سالانه اتفاق می‌افتد، از جانب افراد به مقامات قضایی و ضابطان دادگستری گزارش نگردند. این امر نمی‌تواند برای سیاست جنایی و کیفری کشور بی‌تأثیر و بی‌ضرر باشد. عدم گزارش جرایم منجر می‌گردد تا علت واقعی بزه‌کاری و بزه دیدگی در جامعه کشف نگردد و تکرار جرایم و موارد بزه دیدگی افراد افزایش یافته و در نتیجه مشروعیت نظام عدالت کیفری تضعیف و خدشه دار گردد. بنابراین شناخت عوامل عدم گزارش جرم و آگاه ساختن افراد از نقشی که می‌توانند با اعلام جرایم در کارایی هر چه بیشتر نظام عدالت کیفری داشته باشند و ایجاد یک دایره‌ی اطمینان خاطر برای قربانیان مبنی بر این که همه‌ی فرایند رسیدگی در یک محیط امن و خصوصی پیگیری می‌شود و به نتیجه‌ی مطلوب منجر خواهد شد امری است ضروری، که می‌تواند تمایل افراد را به گزارش جرایم افزایش دهد. بدون شک هر تلاشی که به تقلیل جرایم گزارش نشده بینجامد، میزان واقع بینی و در نتیجه کارایی و موفقیت نظام عدالت کیفری و نهادهای ذی‌ربط را در جامعه افزایش خواهد داد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

#### ۱) کتاب‌ها

۱. پوت واین، دیوید. و ساموتر آیدن. ۱۳۹۱. روان شناسی و جرم. ترجمه‌ی داوود نجفی توانا. تهران: میزان. چاپ سوم
۲. پور رضا، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). خشونت علیه زنان. تهران: اندیشمند
۳. خالقی، علی (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش. چاپ دهم
۴. رهامی، محسن. (۱۳۸۷). جرایم بدون بزه دیده. تهران: میزان
۵. ژرازلیز، ژینا. و ولا فیلیز. ۱۳۷۹. بزه دیده و بزه دیده شناسی. ترجمه روح الله کرد علیوند و احمد محمدی. تهران: مجد. چاپ اول
۶. صفاری، علی. (۱۳۹۲). مقالاتی در جرم شناسی و کیفر شناسی. تهران: جنگل جاودانه. چاپ دوم
۷. کی نیا، مهدی. ۱۳۷۶. مبانی جرم شناسی. تهران: دانشگاه تهران
۸. گسن، موریس. (۱۳۸۵). اصول جرم شناسی. ترجمه‌ی میرروح الله صدیق. تهران: دادگستر. چاپ اول
۹. نجفی توانا، علی. (۱۳۹۱). جرم شناسی. تهران: آموزش و سنجش. چاپ پانزدهم

#### ۲) مقالات

۱۰. رهامی، محسن. و علی مراد حیدری. ۱۳۸۴. چالش‌های فراروی سیاست جنایی در قبال جرایم بدون بزه دیده. مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران. شماره‌ی ۷۰
۱۱. رمضانیان، سکینه. ۱۳۸۹. نگاهی به تعاریف، پیشینه و ویژگی‌های جرایم بدون بزه دیده. روزنامه رسالت. شماره ۷۲۲۴
۱۲. ساداتی، سید محمد مهدی. ۱۳۹۰. پلیس و پیشگیری از جرایم بدون بزه دیده. فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی. شماره‌ی اول. سال چهارم
۱۳. صفاری، علی. ۱۳۸۲. تأملی بر بزه دیدگی و انواع آن. مجله‌ی تحقیقات حقوقی دانشکده‌ی شهید بهشتی. شماره‌ی ۳۸
۱۴. صفری، رضا. ۱۳۹۳. رقم سیاه بزه‌کاری و علت افزایش آن. نشریه‌ی داخلی قوه‌ی قضاییه ماوی
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و عبدالعلی توجهی. ۱۳۷۸. بزه دیده شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده. فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های حقوق تطبیقی. شماره‌ی ۴
۱۶. نجفی توانا، علی. و حسن فدایی. ۱۳۸۷. الزام افراد به گزارش جرم در حقوق ایران و فرانسه. مجله‌ی فقه و حقوق. شماره‌ی ۱۹. سال پنجم

(ب) منابع انگلیسی

17. Biderman, Albert. D. and Albert J. Reiss. JR.1997. On Exploration the Dark Figure of Crime. Sage Publications
18. Carcach, Carlos.1997. Trends and Issues in Crime and Criminal Justice. Australian Institute of Criminology. No68
19. Craven, Diane.1996. Female Victims of Violent Crime. U. S. Department of Justice. Office of Justice Programs. Bureau of Justice Statistics Selected Finding
20. Duhart, detis. T.2000. Urban, Suburban and Rural Victimization 1993-1988. National Crime Victimization Survey. Bureau of Justice Statistics. Office of Justice Program
21. Langton, Lynn, et al.2012. Victimization Not Reported to the Police. U. S. Department of Justice. Office of Justice Programs. Bureau of Justice Statistics
22. Levitt, Steven D.1998. The Relationship Between Crime Reporting and Police: Implication for Use of Uniform Crime Report. Journal of Quantitative Criminology. Vol 14. No 1
23. Lievore, Deniz.2004. Non Reporting and Hidden Recording of Sexual Assault in Australia. Australian Institute of Criminology
24. Skogan, Wesley G.1977. Dimension of dark figure of unreported crime. Crime and delinquency. SAGE publication
25. Wolf Harlow, Carolin.1985. Reporting Crimes to the Police. U. S. Department of Justice. Bureau of Justice Statistics

تأثیر نوع جرم، اهمیت و محل ارتکاب آن بر عدم گزارش جرایم از جانب افراد به ...

---